

Relationship between Athletic identity and Participation in Sports Activities among Physically Disabled People

*Moradi M¹, Sa'adat M²

Author Address

1. Assistant Professor of Sport Management, Shahrekord University, Shahrekord, Iran;

2. MA in Sport Management, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

*Corresponding Author Email: Mmoradi@lit.sku.ac.ir

Received: 2018 April 23; Accepted: 2018 May 25.

Abstract

Background & Objective: Sports activities have obvious benefits, including physical, psychological and social for all members of the community, including healthy people and especially for the physically disabled. Athletic identity can lead to motivation and continuous participation in sports activities as well as success at high levels. Thus, the purpose of this study was to examine the relationship between athletic identity and participation in sports activities among physically disabled persons.

Methods: This research was a survey, and a questionnaire used for data collection. The statistical population of this study was physically disabled people in Shahrekord (Chaharmahal and Bakhtiari province, Southwest of Iran) in 2016. In this study, using the Cochran formula at the 5% error level, 320 people (186 males and 134 females) with an average age of 28.65 ± 9.71 were selected from 2139 physically disabled people, in a simple random sampling method. Athletic Identity was measured by using Cieslak's athletic identity scale, which was a 22-item self-report questionnaire with five dimensions, including self-identity, social Identity, exclusivity, positive and negative affectivity. All five dimensions were answered on a 10-point scale from 1 (strongly disagree) to 10 (strongly agree) – also, a researcher-made questionnaire used for participation in sports activities. The questionnaire had four items that measured the rate of participation in sports activities according to minutes per week. Pearson correlation coefficient used to analyze data. All statistical analyses were conducted using SPSS (Version 24) with the error level less than 0.05.

Results: A total of 58.1% of respondents were men, and 41.9% were women. The mean age of the women was 65.9 ± 53.55 years old, and the mean age of the men was 20.9 ± 19.26 years. In terms of involving in sport, 86% of men and 48% of women involved in sports activities, while 14% of men and 52% of women did not include in any sports activities. In total, 56% of men and women participated in sports activities, and 44% did not participate in any sports activities. The average participation in sports activities was 52.20 ± 32.22 min/week. The mean of athletic identity was 126.94 ± 14.32 , which was higher than average. Results of Pearson's correlation coefficient showed that there was a significant positive relationship between self-identity and participation in sports activities ($r=0.34, p<0.001$). There was a significant positive relationship between social identity and participation in sports activities ($r=0.30, p<0.001$). There was a significant positive relationship between exclusivity and participation in sports activities ($r=0.40, p<0.001$). There was a significant negative correlation between negative affectivity and participation in sports activities ($r=-0.16, p<0.001$). There was a significant positive relationship between positive affectivity and participation in sports activities ($r=0.31, p<0.001$). Finally, there was a significant positive relationship between sport identity and participation in sports activities ($r=0.30, p<0.001$).

Conclusion: Athletic identity could be a facilitator for participation in sports activities for physically disabled persons and their commitment to the continuous involvement in sports activities that can lead to their physical and mental health. Athletic identity by increasing the participation of physically disabled people in sports activities can reinforce the feeling of strength and self-esteem in physically disabled athletes, reduce the negative affectivity of others, and lead to reinforcing of social identity and eventually develops the capability of physically disabled persons.

Keywords: Athletic Identity, Sports, Physically Disabled.

ارتباط بین هویت ورزشی و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی در بین معلولین جسمی

*محمدرضا مرادی^۱، محمدصادق سعادت^۲

توضیحات نویسندگان

۱- دکترای مدیریت ورزشی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران؛
 ۲- کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
 *رایانامه نویسنده مسئول: mmoradi@lit.sku.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۴ خرداد ۱۳۹۷

چکیده

زمینه و هدف: مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، منافع آشکار از جمله منافع جسمانی و روان‌شناختی و اجتماعی برای همه اعضای جامعه اعم از افراد سالم و به‌ویژه برای معلولان دارد. ازسویی هویت ورزشی می‌تواند انگیزش و تعهد حضور مداوم در فعالیت‌های ورزشی و موفقیت در سطوح عالی ورزشی را منجر شود. هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین هویت ورزشی و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی در بین معلولان جسمی بود.

روش‌بررسی: پژوهش حاضر از نوع پیمایشی بود و به‌کمک پرسشنامه اطلاعات لازم جمع‌آوری شد. جامعه آماری پژوهش را تمامی معلولان جسمی شهرکرد در سال ۱۳۹۵ تشکیل دادند. با به‌کارگیری فرمول کوکران در سطح خطای ۵ درصد تعداد ۳۲۰ نفر از بین ۲۱۳۹ نفر معلولان جسمی به‌صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. از مقیاس هویت ورزشی چزلاک و پرسشنامه محقق‌ساخته مشارکت ورزشی و نیز از ضریب همبستگی پیرسون و نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ در سطح خطای ۵ درصد استفاده گردید.

یافته‌ها: باتوجه به نتایج، بین هویت خود و مشارکت ورزشی رابطه مستقیم و معنادار ($r=0/34, p<0/001$) و نیز بین هویت اجتماعی و مشارکت ورزشی رابطه مستقیم و معنادار مشاهده شد ($r=0/30, p<0/001$). همچنین بین انحصارگرایی و مشارکت ورزشی رابطه مستقیم و معنادار به‌دست آمد ($r=0/40, p<0/001$). ازطرفی یافته‌ها نشان داد بین تأثیرپذیری منفی و مشارکت ورزشی رابطه معکوس و معنادار ($r=-0/16, p<0/001$) و نیز بین تأثیرپذیری و مشارکت ورزشی رابطه مستقیم و معنادار وجود داشت ($r=0/31, p<0/001$). درنهایت بین هویت ورزشی و مشارکت ورزشی رابطه مستقیم و معنادار مشاهده شد ($r=0/35, p<0/001$).

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که هویت ورزشی تسهیل‌گر مشارکت هرچه بیشتر معلولان جسمی در فعالیت‌های ورزشی است. **کلیدواژه‌ها:** هویت ورزشی، ورزش، معلول جسمی.

امروزه ورزش از شاخصه‌های مهمی به‌شمار می‌آید که قادر است راه روشن‌ترو سالم‌تر را در رسیدن به کمال، به تمامی اقشار جامعه نشان دهد. همین امر سهم چشمگیر تربیت بدنی را در تأمین سلامت عمومی، پیشگیری از آسیب‌های جسمانی و روانی، دستیابی به پویایی و شادابی و نشاط و نیز کسب مهارت‌های حرکتی برای همه‌آحاد جامعه روشن می‌سازد. ورزش به‌عنوان یکی از مفاهیم اجتماعی و باتوجه به کارکردهای خاص آن در زمینه‌های مختلف، مدنظر بسیاری از دانشمندان و محققان قرار گرفته است. از کارکردهای بسیار مهم این پدیده، نقش بسزای آن در ایجاد سلامت جوامع است. این موضوع را می‌توان از طریق تأثیر ورزش بر زندگی افراد مشارکت‌کننده در این زمینه، به‌روشنی مشاهده کرد (۱).

ورزش نه‌تنها سبب تقویت تعاون، قانون‌پذیری، سازمان‌دهی، همبستگی و مشارکت اجتماعی می‌شود، بلکه هویت اجتماعی را نیز ایجاد می‌کند (۲). به بیان بهتر، مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، منافع آشکار از جمله منافع جسمانی و روان‌شناختی و اجتماعی برای اعضای جامعه به ارمغان می‌آورد. منافع جسمانی حاصل از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به‌عنوان اصلی ویژه و پذیرفته‌شده در بین بیشتر افراد جامعه و وسیله‌ای برای جلوگیری از بیماری و افزایش سلامت عمومی است. شواهد و یافته‌های زیادی جهت افزایش سلامت از طریق مشارکت مداوم و پیوسته در فعالیت‌های ورزشی وجود دارد. مطالعات تجربی و کلینیکی، در طول چهل سال گذشته نشان داده‌اند آمادگی جسمانی کم و نبود فعالیت ورزشی، عاملی مهم بر افزایش میزان بیماری‌ها در بین افراد به‌شمار می‌رود (۳).

معلول‌بودن پدیده‌ای اجتماعی بوده که از دوره‌های گذشته تاکنون در جوامع وجود داشته است؛ به‌طوری‌که از نظر شناخت موجودی و روابط دوطرفه اجتماعی همیشه به‌صورت مشکلی اساسی مطرح بوده و بین تکامل اجتماعی و علمی بشر از یک سو و وضع اجتماعی افراد معلول از سوی دیگر روابط ثابتی وجود نداشته است (۴). معلول‌بودن عبارتست از ناتوانی در انجام تمام یا قسمتی از ضروری‌های عادی زندگی فردی یا اجتماعی به‌علت وجود نقصی مادرزادی یا عارضه‌ای در قوای جسمانی و روانی. معلول به فردی اطلاق می‌شود که بر اثر ضایعه جسمی یا ضایعه‌ای توأم، ناشی از توارث، بیماری، جنگ و حادثه، اختلالی درخور توجه و مستمر در سلامت و کارایی عمومی بدن یا در شئون اجتماعی و حرفه‌ای او به‌وجود آید؛ به‌گونه‌ای که اختلال مذکور از استقلال وی در زمینه‌های شخصی و اجتماعی و اقتصادی می‌کاهد. با پیدایش ضایعه و بروز نشانه‌های ضعف جسمانی، اتکای افراد معلول بر خویش‌تن متزلزل و احساس نیاز به دیگران و وابستگی به غیر ظاهر می‌شود و به‌مرور قوت می‌یابد. کاهش اعتمادبه‌نفس، شخصیت‌گرایی منفی، احساس بی‌کفایتی و سرباربودن، حداقل توانایی‌های باقیمانده در فرد معلول را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و در او احساس اندوه و ابهام بروز می‌کند. یافته‌های جدید مؤید آن است که ورزش با بهبود وضعیت روانی از جمله حالت‌های احساسی و خودشناسی ارتباط نزدیکی دارد و تمرینات بدنی وسیله‌ای مناسب برای دستیابی به موقعیت مناسب ذهنی و روانی است (۵).

هویت ورزشی نوعی هویت اجتماعی است که از تعلق گروهی از ورزشکاران به رشته خاص حکایت دارد؛ از این رو، پیروزی تیم‌های ورزشی یا ورزشکاران در سطوح جهانی و ملی، بازنمایی هویت اجتماعی و ملی و ورزشی نیز است (۶). ماهیت ورزش پدیده‌ای اجتماعی بوده که مشارکت و همکاری در آن تعیین‌کننده است؛ شبکه اجتماعی تشکیل‌شده بین ورزشکاران در تیم موجب گسترش حس تعلق اجتماعی و همزادپنداری بین آن‌ها می‌شود. در واقع ورزشکار خودش را از لحاظ اجتماعی و فرهنگی به جمع و موفقیت‌ها و شکست‌هایشان وابسته می‌داند و نیز موجب ارزیابی مثبت در قبال گروه یا تیم شده و ایجاد دل‌بستگی می‌کند. در نهایت، هماهنگی در رفتارها و مشارکت جدی و فعال را به‌نفع گروه به‌همراه دارد (۷). همچنین، مشارکت ورزشی وابسته به هویت ورزشی است. عضو بودن فرد در تیمی ورزشی، سبب ایجاد تعریف و تصور فرد از خود شده و این هویت بر اساس عضویت و حس تعلق گروهی ایجاد و تعریف می‌شود (۸)؛ یعنی فرد علاوه بر اینکه خود را عضوی از گروه می‌داند، درباره عضویت خود در گروه احساس مثبتی داشته و با مقایسه و ارزیابی بین «درون‌گروه» خود و «برون‌گروه» دیگران، به‌صورت جانب‌دارانه به‌نفع گروهش داوری می‌کند؛ همچنین درک زمینه رقابت بین گروهی را ایجاد کرده که این امر در نهایت منجر به تعهد و مشارکت فعال در هویت و مشارکت ورزشی پایدار می‌شود (۹).

چزلاک در بررسی و تحقیقات جامع، هویت ورزشی را شامل مؤلفه‌های بیرونی و درونی می‌داند. مؤلفه‌های بیرونی هویت ورزشی شامل انحصارگرایی و هویت اجتماعی بوده که به‌واسطه گروه‌های درون جامعه (خانواده، دوستان، مربیان، معلمان) و زمینه‌ها (تحصیل، ورزش، مذهب)، با میزان تأثیر جامعه بر فرد مرتبط هستند. مؤلفه‌های درونی از هویت خود و تأثیرپذیری منفی و تأثیرپذیری مثبت تشکیل شده است و به درجه تأثیرپذیری ادراکات فردی، مانند ارزیابی و تفسیر نقش ورزشکاری اطلاق می‌شود (۱۰). هویت ورزشی قوی می‌تواند موجب انگیزش و نظم لازم جهت حضور مداوم ورزشکار در تمرین‌ها و همچنین موفقیت در سطوح عالی ورزشی شود. این امر مبین آن است که هویت ورزشی قوی، دارای تأثیرهای مثبت بر عملکرد ورزشی، سلامت، آمادگی و عزت‌نفس ورزشکار است. همچنین هویت ورزشی بیشتر، سطوح بهتری از تصمیم‌گیری شغلی و خودکارآمدی و خوش‌بینی را در آینده برای ورزشکار به‌همراه دارد (۱۱)؛ اما هویت ورزشی به‌ویژه در بین ورزشکاران معلول دارای اهمیت اساسی است و می‌تواند کارکردهای زیادی به‌دنبال داشته باشد: در بُعد اول، مشارکت داوطلبانه و خودجوش معلولان در فعالیت‌های ورزشی نه‌تنها می‌تواند سلامت جسمی و روانی آن‌ها را تأمین کند، بلکه موجب گسترش سرمایه اجتماعی و هویت ورزشی و نیز حس تعهد و همکاری متقابل می‌شود (۱۲). در بُعد دوم، مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، توانمندی این گروه را ایجاد می‌کند و حضور آن‌ها در اجتماع نشانه خوبی از ظهور هویت اجتماعی بوده که توسط ورزش توانمند شده است. در نهایت، سبب افزایش کیفیت زندگی، تعامل‌ها و روابط اجتماعی، گسترش مشارکت اجتماعی و الگوسازی انگیزشی برای ترغیب به ورزش در بین همه اقشار می‌شود. هویت ورزشی موجبات هدف‌گرایی، حذف دیدگاه

معلولیت محدودیت، تلاش برای چیره شدن بر مشکلی، کسب مهارت غلبه بر موانع و عملکرد بهتر در مقابل دیگران را به همراه دارد (۱۳). نتایج پژوهش اسکوردیلیس و همکاران نشان داد هویت خود و هویت اجتماعی و هویت ورزشی بر جهت‌گیری ورزشی و مشارکت بیشتر در فعالیت‌های ورزشی تأثیر دارد (۲). همچنین نتایج تحقیق پیات و همکاران مشخص کرد هرچه تأثیرپذیری منفی ورزشکاران از اطرافیان کمتر باشد، هدفمندی و مشارکت ورزشی بیشتر خواهد بود (۱۴). در تحقیقی دیگر، لیوای دریافت تأثیرپذیری مثبت و هویت خود بر انگیزش ورزشی و مشارکت ورزشی اثر مثبتی دارد (۱۵). باتوجه به نتایج تحقیق شاپیرو و همکاران، هویت اجتماعی و انحصارگرایی و هویت ورزشی بر ترغیب به ورزش و مشارکت پایدار ورزشی مؤثر است (۱۶)؛ بنابراین باید گفت مشارکت افراد معلول در فعالیت‌های ورزشی نوعی هویت ورزشی برای آن‌ها ایجاد کرده که این هویت ورزشی، انحصاری است؛ یعنی تنها به گروه ورزشکار و تیم ورزشی تعلق دارد. اجتماعی است؛ یعنی هویت ورزشکار یا تیم ورزشی را از سایر ورزشکاران و تیم‌های ورزشی مشخص می‌کند. در نهایت نوعی هویت خود است؛ یعنی تعریف و تصور فرد از خود و توانمندی‌های خویش است (۱۷).

مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، منافع آشکار از جمله منافع جسمانی و روان‌شناختی و اجتماعی برای اعضای جامعه اعم از سالم و معلول در پی خواهد داشت. منافع جسمانی حاصل از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به‌عنوان اصلی مهم و پذیرفته‌شده در بین بیشتر افراد جامعه و وسیله‌ای برای جلوگیری از بیماری و افزایش سلامت عمومی به‌شمار می‌آید. روشن است میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به‌ویژه در بین افراد و گروه‌های متفاوت، نوسان زیادی داشته و تحت تأثیر عوامل مختلف جسمانی و روانی و اجتماعی است. یکی از این گروه‌ها معلولان جسمی هستند که باتوجه به مشکل‌های این قشر از جامعه و اهمیت ورزش معلولان هم در بُعد ورزش همگانی و کسب سلامتی و هم در بُعد ورزش قهرمانی، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ این سؤال بود که آیا بین هویت ورزشی و میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی معلولان جسمی ارتباطی وجود دارد؟

۲ روش بررسی

تحقیق حاضر از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود. جامعه آماری این پژوهش را تمامی معلولان جسمی در لیست آمار بهزیستی شهرستان شهرکرد در سال ۱۳۹۵ تشکیل دادند که در مجموع ۲۱۳۹ نفر بودند. آمار تفکیکی این معلولان شامل ۱۰۱ نفر معلول ضایعه نخاعی، ۴۳۲ نفر معلول نابینایی، ۶۵۲ نفر معلول ناشنوایی، ۳۲۷ نفر چندمعلولیتی و ۶۲۷ نفر نیز دارای معلولیت احشای داخلی بود. براساس فرمول کوکران در سطح خطای ۵ درصد تعداد ۳۲۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند که شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده به‌کار رفت. برای سنجش هویت ورزشی از پرسشنامه هویت ورزشی چزلاک استفاده شد. این مقیاس، عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری هویت ورزشی را با پنج خرده‌مقیاس هویت اجتماعی (پنج‌گزینه)، انحصارگرایی (پنج

گزینه)، هویت خود (چهار گزینه)، تأثیرپذیری منفی (چهار گزینه) و تأثیرپذیری مثبت (چهار گزینه) ارزیابی می‌کند. ضمن اینکه از مقیاس ده‌ارزشی (۰ = کاملاً مخالف تا ۱۰ = کاملاً موافق) نیز برای کمی‌سازی آن استفاده می‌شود (۷). شیوه ارزش‌گذاری مقیاس هویت ورزشی در طیف ده‌درجه‌ای (در مقیاس لیکرت) به صورت ۰ تا ۱۰ و میانگین هریک از ابعاد پرسشنامه به صورت نظری ۴/۵ است که ضرب در تعداد گویه‌های یک‌متغیر، میانگین نظری آن متغیر را نشان می‌دهد. باتوجه به هنجار تعیین‌شده برای این ابزار، نمره هویت ورزشی بین ۷۳ تا ۷۳۰ هویت ورزشی کم و ۱۴۶ تا ۱۴۶۷ هویت ورزشی متوسط و ۱۴۷ تا ۲۲۰ هویت ورزشی زیاد در نظر گرفته می‌شود. این پرسشنامه استاندارد بوده که در داخل کشور، شجاع و همکاران پایایی درونی آن را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ گزارش کردند و روایی‌اش را با استفاده از تحلیل عاملی تأیید کردند (۱۸).

برای مشارکت ورزشی از پرسشنامه چهارسؤالی بازپاسخ محقق ساخته استفاده شد که روایی صوری آن را چهار نفر از استادان علوم ورزشی تأیید کردند. این پرسشنامه برحسب میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی جامعه آماری در هفته براساس دقیقه محاسبه شده است. سؤال‌های این پرسشنامه به این صورت بود: «آیا هر هفته به‌طور منظم ورزش می‌کنید؟»، «در هفته چند جلسه ورزش می‌کنید؟»، «هر جلسه ورزش یا تمرین شما چه مدت به‌طول می‌انجامد؟» و «چند ماه در سال ورزش می‌کنید؟». برای تعیین پایایی درونی سؤال‌های پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج این پژوهش روی آزمودنی‌ها خود با آلفای کرونباخ ۰/۸۷، هویت ورزشی با آلفای کرونباخ ۰/۹۱، هویت خود با آلفای کرونباخ ۰/۸۶، انحصارگرایی با آلفای کرونباخ ۰/۸۶، تأثیرپذیری مثبت با آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و تأثیرپذیری منفی با آلفای کرونباخ ۰/۸۷ ضریب پایایی پذیرفتنی و مطلوبی داشتند.

در این پژوهش از آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده در سطح آمار استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. تحلیل‌های مذکور با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ و در سطح خطای ۵ درصد صورت گرفت.

۳ یافته‌ها

همان‌طورکه در جداول ۱ و ۲ ملاحظه می‌شود ۱۸۶ نفر (۵۸/۱ درصد) از پاسخ‌گویان را مردان معلول جسمی و ۱۳۴ نفر (۴۱/۹ درصد) از آن‌ها را زنان تشکیل دادند. میانگین سنی زنان پاسخ‌گو ۲۶/۰۵±۹/۲۰ سال و میانگین سنی مردان ۲۶/۰۵±۹/۲۰ سال بود. از لحاظ مشارکت در فعالیت‌های ورزشی ۹۱ نفر (۸۶ درصد) مردان و ۸۹ نفر (۴۸ درصد) زنان در فعالیت‌های ورزشی مشارکت داشتند؛ درحالی‌که ۴۳ نفر (۱۴ درصد) مردان و ۹۷ نفر (۵۲ درصد) زنان در فعالیت‌های ورزشی مشارکت نکردند. در مجموع ۱۸۰ نفر (۵۶ درصد) مردان و زنان در فعالیت‌های ورزشی مشارکت کرده و ۱۴۰ نفر (۴۴ درصد) هیچ مشارکتی در فعالیت‌های ورزشی نداشتند.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی مربوط به جنسیت و سن شرکت‌کنندگان در پژوهش

جنسیت	تعداد	درصد	سن
			انحراف معیار ± میانگین
مرد	۱۸۶	۵۸/۱	۲۶/۰۵ ± ۹/۲۰
زن	۱۳۴	۴۱/۹	۳۰/۵۳ ± ۹/۶۵
کل	۳۲۰	۱۰۰	۲۸/۶۵ ± ۹/۷۱

جدول ۲. یافته‌های توصیفی مربوط به میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی

جنسیت	مشارکت		نداشتن مشارکت	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
مرد	۹۱	۸۶	۴۳	۱۴
زن	۸۹	۴۸	۹۷	۵۲
جمع	۱۸۰	۵۶	۱۴۰	۴۴

در جدول ۳ میانگین و انحراف معیار ابعاد هویت ورزشی و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی (برحسب دقیقه در هفته) ارائه شده است.

جدول ۳. توصیف متغیرهای اصلی پژوهش برحسب میانگین و انحراف معیار

متغیر	تعداد گویه	میانگین پرسشنامه (نظری)	میانگین به دست آمده	انحراف معیار
هویت خود	۴	۱۸	۲۲/۴۰	۲/۶۶
هویت اجتماعی	۵	۲۲/۵	۲۷/۵۵	۲/۲۴
انحصارگرایی	۵	۲۲/۵	۲۷/۷۰	۲/۶۱
تأثیرپذیری منفی	۴	۱۸	۲۵/۵	۲/۶۷
تأثیرپذیری مثبت	۴	۱۸	۲۷/۷۶	۲/۵۳
هویت ورزشی	۲۲	۹۹	۱۲۶/۹۴	۱۲/۲۲
مشارکت در فعالیت‌های ورزشی (دقیقه در هفته)	۴	-	۵۲/۲۰ دقیقه	۱۴/۳۲

جدول ۴. نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مقدار P
هویت خود	مشارکت در فعالیت‌های ورزشی	۰/۳۴	<۰/۰۰۱
هویت اجتماعی	مشارکت در فعالیت‌های ورزشی	۰/۳۰	<۰/۰۰۱
انحصارگرایی	مشارکت در فعالیت‌های ورزشی	۰/۴۰	<۰/۰۰۱
تأثیرپذیری منفی	مشارکت در فعالیت‌های ورزشی	-۰/۱۶	<۰/۰۰۱
تأثیرپذیری مثبت	مشارکت در فعالیت‌های ورزشی	۰/۳۱	<۰/۰۰۱
هویت ورزشی	مشارکت در فعالیت‌های ورزشی	۰/۳۵	<۰/۰۰۱

فعالیت‌های ورزشی نیز بیشتر شده بود. بین تأثیرپذیری منفی و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی معلولان جسمی رابطه معکوس و معناداری مشاهده شد؛ یعنی هر قدر فرد از دیگران تأثیرپذیری منفی کمتری را تجربه کرده به همان نسبت مشارکت در فعالیت‌های ورزشی وی افزایش یافته بود. همچنین بین «تأثیرپذیری مثبت» و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی معلولان جسمی رابطه مستقیم و معناداری یافت شد که نشان داد با افزایش تأثیرپذیری مثبت از دیگران، مشارکت در فعالیت‌های ورزشی نیز زیاد شده بود. در نهایت نتایج مشخص کرد بین هویت ورزشی و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی معلولان جسمی رابطه مستقیم و معناداری وجود داشت که بیان کرد با افزایش احساس هویت ورزشی، میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی معلولان جسمی

مطابق جدول ۴ بین «هویت خود» و «مشارکت در فعالیت‌های ورزشی» معلولان جسمی رابطه مستقیم و معناداری مشاهده شد. هرچه پاسخ‌گویان احساس «هویت خود» بیشتری داشتند به همان نسبت مشارکت در فعالیت‌های ورزشی در بین آن‌ها نیز افزایش یافته بود. بین «هویت اجتماعی» و «مشارکت در فعالیت‌های ورزشی» معلولان جسمی نیز رابطه مستقیم و معناداری وجود داشت. به عبارتی با افزایش حس «هویت اجتماعی» معلولان جسمی، «مشارکت در فعالیت‌های ورزشی» آن‌ها نیز افزایش یافته بود. همین‌طور بین «انحصارگرایی» و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی معلولان جسمی رابطه مستقیم و معناداری به دست آمد؛ بنابراین هر قدر حس «انحصارگرایی» ورزشی و تیمی در بین معلولان جسمی زیاد شده به همان نسبت مشارکت در

نیز بیشتر شده بود.

۴ بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین هویت ورزشی و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی در بین معلولان جسمی شهرکرد صورت گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که بین «هویت خود» و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی معلولان جسمی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد که با نتایج گروف و زابریسکی (۱۳) و لیوای (۱۵) همسوست. در توجیه باید گفت فعالیت ورزشی پدیده‌ای اجتماعی بوده که در بازتعریف موقعیت فرد و تصور فرد از خویشتن و توانایی‌هایش نقش مثبتی دارد. بر همین اساس، هویت فردی معلولان جسمی در ورزش نه تنها اجازه بروز پیدا می‌کند بلکه این هویت با عنوان «ورزشکار» به سایر حوزه‌ها نیز گسترش می‌یابد. بر همین مبنا می‌توان گفت، هویت فردی با مشارکت ورزشی معلولان جسمی در ارتباط است (۸).

نتایج پژوهش مشخص کرد بین هویت اجتماعی با مشارکت در فعالیت‌های ورزشی ارتباط مستقیم و معناداری مشاهده می‌شود که با یافته‌های گروف و زابریسکی (۱۳) و شاپیرو و همکاران (۱۶) همسوست. در توجیه باید بیان کرد که وقتی معلول جسمی به عنوان ورزشکار وارد فعالیت ورزشی در تیمی می‌شود، به نوعی هویت و دل‌بستگی و حس تعلق به اعضای تیم دست می‌یابد. این عضو بودن گروهی در ذهن وی به صورت منع ساخت هویت جمعی عمل کرده و آن چیزی را تعیین می‌کند که معلول جسمی باید فکر و احساس کرده یا اینکه چگونه رفتار و عمل کند. این امر منجر به ارزیابی مثبت او از گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر می‌شود و فعالیت خود را برای موفقیت گروه دو چندان می‌کند. بر همین اساس، معلولان جسمی ورزشکار در قالب تیمی ورزشی صاحب هویت اجتماعی تعیین‌کننده‌ای می‌شوند که این هویت برای آن‌ها کارکردهایی نظیر افزایش فعالیت و ترغیب به فعالیت یا تبلیغ بیشتر دارد.

همچنین نتایج مطالعه بیان کرد که بین انحصارگرایی با مشارکت در فعالیت‌های ورزشی معلولان جسمی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد که با نتایج تحقیق تاسیمسکی و همکاران (۱۷) و شاپیرو و همکاران (۱۶) همسوست. در توجیه می‌توان عنوان کرد، زمانی که معلولان جسمی وارد حیطه ورزش می‌شوند در بسیاری مواقع ارزش خود را منوط به عملکرد در ورزش می‌بینند. بر همین مبنا معلولان جسمی دارای عملکرد مثبت و موفق در عرصه ورزش، احساس عزت‌نفس و ارزشمندی بیشتری می‌کنند که در واقع نوعی انحصارگرایی ایجاد می‌شود. پیامد انحصارگرایی همیشه برای معلولان جسمی مثبت نیست، لیکن در تشکیل ذهنی مثبت و باورمندی به توانایی‌های خود تأثیر مثبتی دارد (۷).

نتایج پژوهش نشان داد که تأثیرپذیری منفی با مشارکت در فعالیت‌های ورزشی معلولان جسمی دارای ارتباط معکوس و معناداری است که با یافته‌های تاسیمسکی و همکاران (۱۷) و پیات و همکاران (۱۴) همسوست. هنگامی که معلولان جسمی ورزشکار با تأثیرهای منفی اطرافیان روبه‌رو می‌شوند دو حالت می‌تواند پیش آید. در وضعیت اول مقاومت ورزشکار بروز می‌کند که این مقاومت می‌تواند موجبات ارتقای عزت‌نفس و دفاع وی از عملکردش را ایجاد کند. در حالت

دوم وضعیت انفعالی است و در چنین حالتی ورزشکار تسلیم تأثیرها و القاهای منفی دیگران می‌شود. اثر مهم‌تر در وضعیت انفعالی، تجربه کاهش فعالیت یا پیدا کردن دید منفی به فعالیت ورزشی خواهد بود؛ بنابراین اگر تأثیرپذیری منفی اطرافیان با مقاومت معلولان جسمی ترکیب شود میزان تأثیرپذیری کاهش یافته و همچنان معلولان جسمی به فعالیت ورزشی ادامه می‌دهند (۱۹، ۶).

باتوجه به نتایج تحقیق مشخص شد که بین تأثیرپذیری مثبت و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی ارتباط مستقیم و معناداری یافت می‌شود که با مطالعه لیوای همسوست (۱۵). توجیه آن به این صورت است که وقتی معلولان جسمی در فعالیت‌های ورزشی مشارکت می‌کنند، از سوی دیگران با تشویق و ترغیب و انگیزش بیشتر برای ورزش روبه‌رو می‌شوند که انرژی و انگیزه قوی‌تری برای حضور در فعالیت‌های ورزشی می‌یابند و آسیب‌پذیری‌شان کمتر شده و احساس تعهد و تعلق خاطر بیشتری به تیم ورزشی و هویت اجتماعی و سرزمینی به دست می‌آورند (۲).

در نهایت تأیید شد بین هویت ورزشی و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی معلولان جسمی ارتباط مستقیم و معناداری دیده می‌شود که با پژوهش‌های شاپیرو و همکاران (۱۶) و اسمیت و همکاران (۲۰) همسوست. در توجیه باید گفت هویت ورزشی درجه‌ای است که افراد خود را با نقش ورزشکار بودن می‌شناسند؛ از این رو، مشارکت افراد معلول جسمی در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند تعهد زیادی را در ورزشکاران معلول ایجاد کرده و سبب شود وی خود را متعهد به حضور در فعالیت‌های ورزشی بداند. فرد ورزشکار نیز هویت‌های خود به‌ویژه هویت ورزشی را مدیریت و ارزیابی و اصلاح می‌کند؛ این خودسازمان‌دهی و جهت‌دهی براساس ادامه تعامل و ارتباط با محیط افراد موجود در آن، است.

در مجموع می‌توان گفت هویت ورزشی به‌ویژه در بین معلولان جسمی قسمتی از خودپنداره است که به عنوان نوعی طبقه‌بندی نقش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای آنان عمل می‌کند. بر این مبنا، هویت ورزشی معلولان می‌تواند سبب تقویت عزت‌نفسشان شود. همچنین هویت ورزشی ارتباط بین ورزشکار و محیط (خانواده، دوستان، مربی یا رسانه) را تقویت کرده و احساس‌ها و عواطف افراد را به ورزشکار به‌رسمیت می‌شناسد. براساس همین کارکرد هویت ورزشی است که بسیاری از معلولان جسمی، ورزش را به‌عنوان فعالیتی مهم برای احساس عزتمندی، توانمندی و ورود به سایر حوزه‌های اجتماعی می‌دانند. در واقع هویت ورزشی از یک سو تسهیل‌گر و از سوی دیگر تعیین‌کننده است.

۵ نتیجه‌گیری

مطابق یافته‌های این پژوهش، هویت ورزشی را می‌توان عاملی تسهیل‌گر جهت مشارکت در فعالیت‌های ورزشی برای معلولان جسمی و تعهد آنان به حضور مستمر در فعالیت‌های ورزشی دانست که خود می‌تواند سبب سلامت جسمانی و روانی آنان شود. هویت ورزشی با افزایش مشارکت معلولان جسمی در فعالیت‌های ورزشی، احساس قدرت و عزت‌نفس ورزشکاران معلول را تقویت می‌کند و از تأثیرپذیری منفی دیگران می‌کاهد. همچنین موجبات تشدید و تقویت هویت

اجتماعی را فراهم و در نهایت برای بروز توانمندی‌های معلول مستعد و ۶ تشکر و قدردانی
توانمند عمل می‌کند. توصیه می‌شود سازمان‌های مربوط از جمله بدین‌وسیله از معلولان جسمی شرکت‌کننده در پژوهش حاضر
بهبود و اداره‌های ورزش و جوانان، هویت ورزشی را به‌عنوان سازه سپاسگزاری می‌شود.
مهم روانی اجتماعی مدنظر قرار دهند.

References

1. Goral M. Social attitudes of Turkish students towards participation in physical education and sport. *Soc Behav Pers.* 2010;38(9):1243-58. doi:[10.2224/sbp.2010.38.9.1243](https://doi.org/10.2224/sbp.2010.38.9.1243)
2. Skordilis EK, Skafida FA, Chrysagis N, Nikitaras N. Comparison of sport achievement orientation of male wheelchair basketball athletes with congenital and acquired disabilities. *Percept Mot Skills.* 2006;103(3):726-32. doi:[10.2466/pms.103.3.726-732](https://doi.org/10.2466/pms.103.3.726-732)
3. Parsamehr M, Zere'Shababadi A. Investigating the perceived benefits of young women's participation in physical activity (case study: women in Yazd). *Olympic Journal.* 2008;1(41):7-16. [Persian]
4. Cervone D, Pervin LA. *Personality Psychology.* Javadi MJ, Kadivar P. (Persian translators). First edition. Tehran: Rasa Publisher; 1996, pp: 124-125.
5. Poursoltani H. The Relationship between exercise activities and general health of veterans and disabled of athletes in Iran. *Journal of Movement Science and Sport.* 2003;1(2):10-17. [Persian]
6. Lamont-Mills A, Christensen SA. Athletic identity and its relationship to sport participation levels. *J Sci Med Sport.* 2006;9(6):472-8. doi:[10.1016/j.jsams.2006.04.004](https://doi.org/10.1016/j.jsams.2006.04.004)
7. Anderson CB, Mâsse LC, Zhang H, Coleman KJ, Chang S. Contribution of athletic identity to child and adolescent physical activity. *Am J Prev Med.* 2009;37(3):220-6. doi:[10.1016/j.amepre.2009.05.017](https://doi.org/10.1016/j.amepre.2009.05.017)
8. Bowman M, Flower N, Machuga J, Morris M, Pasternak A, Raudenbush B. Motivational differences between group and individual athletic teams participating in intercollegiate and intramural sports. *Journal of Sport & Exercise Psychology.* 2001;23:S29-S30.
9. Kokaridas D, Perkos S, Harbalis T, Koltsidas E. Sport orientation and athletic identity of Greek wheelchair basketball players. *Percept Mot Skills.* 2009;109(3):887-98. doi:[10.2466/pms.109.3.887-898](https://doi.org/10.2466/pms.109.3.887-898)
10. Cieslak TJ. Describing and measuring the athletic identity construct: Scale development and validation [Thesis for Ph.D in physical activity and educational services]. [Ohio, USA]: Ohio University; 2004. http://rave.ohiolink.edu/etdc/view?acc_num=osu1091219903
11. Burns GN, Jasinski D, Dunn SC, Fletcher D. Athlete identity and athlete satisfaction: the nonconformity of exclusivity. *Pers Individ Dif.* 2012;52(3):280-4. doi:[10.1016/j.paid.2011.10.020](https://doi.org/10.1016/j.paid.2011.10.020)
12. Cabrita TM, Rosado AB, Leite TO, Serpa SO, Sousa PM. The relationship between athletic identity and career decisions in athletes. *J Appl Sport Psychol.* 2014;26(4):471-81. doi:[10.1080/10413200.2014.931312](https://doi.org/10.1080/10413200.2014.931312)
13. Groff DG, Zabriskie RB. An exploratory study of athletic identity among elite alpine skiers with physical disabilities: issues of measurement and design. *J Sport Behav.* 2006;29(2):126-41.
14. Piatt J, Kang S, Wells MS, Nagata S, Hoffman J, Taylor J. Changing identity through sport: the paralympic sport club experience among adolescents with mobility impairments. *Disabil Health J.* 2018;11(2):262-6. doi:[10.1016/j.dhjo.2017.10.007](https://doi.org/10.1016/j.dhjo.2017.10.007)
15. Levay D. Leisure in the production of social capital: evaluating sport participation as a method for increasing volunteerism in rural communities [Thesis for MSc in rural planning and development]. [Ontario, Canada]: The University of Guelph; 2014. <http://hdl.handle.net/10214/7784>
16. Shapiro DR, Martin JJ. Athletic identity, affect, and peer relations in youth athletes with physical disabilities. *Disabil Health J.* 2010;3(2):79-85. doi:[10.1016/j.dhjo.2009.08.004](https://doi.org/10.1016/j.dhjo.2009.08.004)
17. Tasiemski T, Kennedy P, Gardner BP, Blaikley RA. Athletic identity and sports participation in people with spinal cord injury. *Adapt Phys Activ Q.* 2004;21(4):364-78. doi:[10.1123/apaq.21.4.364](https://doi.org/10.1123/apaq.21.4.364)
18. Shaji R, Sohrabi M, Foladian J. Comparison of athletic identity of players of national handball teams of Iran. *Research on Sport Sciences.* 2010;4(26):87-104. [Persian]
19. Forber-Pratt AJ, Zape MP. Disability identity development model: voices from the ADA-generation. *Disabil Health J.* 2017;10(2):350-5. doi:[10.1016/j.dhjo.2016.12.013](https://doi.org/10.1016/j.dhjo.2016.12.013)
20. Smith B, Bundon A, Best M. Disability sport and activist identities: a qualitative study of narratives of activism among elite athletes' with impairment. *Psychology of Sport and Exercise.* 2016;26:139-48. doi:[10.1016/j.psychsport.2016.07.003](https://doi.org/10.1016/j.psychsport.2016.07.003)